

«شرق» در گفت‌وگو با علیرضا پاک فطرت، نماینده اصولگرای مجلس عملکرد دولت را بررسی کرد

مدیران «اشتباهی» سر کار هستند

♦ **۲ یا ۳ وزیر تا پایان سال عوض می‌شوند ♦ تنها ۳۰ درصد مشکلات کشور مربوط به برجام است**

معصومه معظلی؛ حل مشکلات اقتصادی و معیشتی سال عمر دولت سیزدهم و یکی از وعده‌های داده‌شده محقق نشد و اهالی بهارستان و پاستور تنها به وعده‌دادن بسنده کردند. کابینه رئیس‌ی معتقد بود تا پیش از این دولتی روی کار بوده که توجهی به همه اقدار جامعه نداشته است. از این رو یون وعده داد که معیشت جامعه را هدف قرار داده تا محرومیت‌زدایی کند. اما شواهد نشان می‌دهد نه دولت و نه مجلس همسو تاکنون نتوانسته‌اند مشکلات اقتصادی را مرتفع کنند. اگرچه شعارهای دولت سیزدهم نمود عینی ندارد. اما این ادعا را به حدی ملموس بیان کرده‌اند که خودشان باور کرده‌اند و در جدیدترین نمود این رویکرد، سید ابراهیم رئیسی، پنجشنبه (۲۰ مرداد) در جریان سفر استانی خود به کرمان مدعی شد، «از ابتدای کار دولت تا امروز آنچه وعده کردیم برای ایجاد اشتغال و رفع بی‌کاری در سال اول تحقق پیدا کرده است، اما بخشی از جامعه این باور را نمی‌پذیرد و البته دوستان مجلسی‌شان این‌طور که به نظر می‌رسد دیگر به این شعارها باور ندارند و نوک بیگان انتقادانشان را به سمت دولت نشانه رفته‌اند. از این رو با علیرضا پاک فطرت، نماینده اصولگرای مجلس یازدهم و رئیس مجمع نمایندگان استان فارس درباره وعده‌های محقق نشده دولت سیزدهم بعد از گذشت یک سال به گفت‌وگو نشستیم. پاک فطرت در گفت‌وگو با «روزنامه شرق» به سوآلات مطرح‌شده درباره عملکرد یک‌ساله دولت، عقب‌نشینی مجلسی‌ها از استیضاح وزرا و نظارت بر دولت، گره‌زدن اقتصاد با برجام و… پاسخ داد. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگو است.

♦ **یک سال از عمر دولت سیزدهم گذشته است اما نتوانسته به وعده‌های خود عمل کند. در حالی که تأکید داشت در صورت روی کار آمدن می‌تواند برجام را به نتیجه برساند و مشکلات را در حوزه‌های داخلی و خارجی حل کند. نظر شما در این باره چیست؟**

توافق برجام یک مسئله یک‌طرفه نیست که طول‌کشیدن و به نتیجه نرسیدن آن به دولت ما برگردد. دنیا هم باید آمادگی پذیرش این توافق را داشته باشد. اینکه در مذاکرات دنیا بخواهد به ایران زور بگوید و ما هم بپذیریم، مورد پذیرش مجلس نیست و ما اجازه نمی‌دهیم دولت به هر قیمتی برجام را بپذیرد و امضا کند. دولت باید در چارچوبی که مجلس و قانون برایش مشخص کرده است حرکت کند. حالا ممکن است برجام امضا بشود یا نشود، حتی اگر امضا بشود و خروجی خوبی نداشته باشد مورد انتقاد است.

♦ **در این صورت عملکرد وزارت خارجه دولت سیزدهم را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

تاکنون وزارت خارجه و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای عملکرد خوب و قابل قبولی داشته است و مشکل را از این تیم نمی‌دانیم. در بحث برجام حرکت مثبت بوده چراکه قرار نیست ما سر تعظیم در برابر زیاده‌خواهی غربی‌ها فرود آوریم. ♦ **سر تعظیم فرود نیاوردن در برابر دشمنان و مقاومت در برابر زیاده‌خواهی غربی‌ها خوب است اما عدم توافق و به نتیجه نرسیدن برجام بر قیمت همه کالاها اعم از اساسی و غیراساسی تأثیر داشته و به جامعه فشار زیادی تحمیل کرده است که خارج از توان مردم بوده و باید این مورد را هم در نظر بگیریم!؟**

افزایش قیمت کالاها ارتباط جدی به برجام و موضوع مذاکرات ندارد و بهه جرئت می‌توانم بگویم برجام تنها ۳۰ درصد بر بحث معیشت، اقتصاد و مسائل اجتماعی تأثیر دارد و ۷۰ درصد باقی‌مانده ناشی از عملکرد سیستم داخلی، شهروراندن افغانستان و تبعات اقتصادی، اجتماعی و بعضا امنیتی آنها گرفته تا مشکلات و تهدیدهای امنیتی در مرز مشترک هزارگیلومتری با افغانستان. در کنار آن برخی تحلیلگران بر این باورند که حضور طالبان با اندیشه و تفکر سلفی که در تضاد با منافع و تفکر جمهوری اسلامی است، می‌تواند تبعات امنیتی را از سوی امارت اسلامی متوجه ایران کند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا ایران می‌تواند با سیاست مدارا با طالبان، آن را مهار کند یا این رابطه سراسرنجام به تنش می‌گراید؟ اصلا راهکار جلوگیری از ایجاد تنش بین ایران و افغانستان طالبانی چیست؟ «شرق» در

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناس بررسی می‌کند

فرمول دفع خطر طالبان

شکوفه حبیب‌زاده؛ یک سال از تصرف ارگ ریاست‌جمهوری از سوی طالبان می‌گذرد. طالبان با فرار اشرف غنی، رئیس جمهوری وقت افغانستان، بدون فوت وقت و بدون هیچ‌گونه ممانعتی، وارد ارگ ریاست‌جمهوری شدند و پرچم امارت اسلامی را برافراشتند. در این یک سال، ایران تلاش کرد با سیاست «کج‌دار و مریز» با طالبان رفتار کند؛ بااین حال، تهران هواره بر سیاست ایجاد دولت فراگیر و عدم به‌رسمیت‌شناختن طالبان تأکید داشت. ایران در دوره حضور آمریکا در افغانستان در پی اختلاف‌ها و فاصله با حکومت غرب‌گرای اشرف غنی، گاهی از گروه‌های آمریکاسنیز در افغانستان حمایت غیرمستقیم کرد؛ اقدامی که برخی کارشناسان آن را به فصل مشترکی برای بهبود روابط ایران و طالبان تعبیر کردند. با این وجود برخی از تعاملات طالبان با ایران برخلاف انتظار پیش رفت. اخباری از درگیری مرزی طالبان با مرزبانان ایران در گستره مرز وسیع ایران و افغانستان به گوش می‌رسد، هرچند از سوی مقامات طالبان به‌عنوان سو،تفاهم قلمداد شد، اما واکنش هشدار آمیز ایران را به دنبال داشت. از سویی اختلاف‌ها بر سر آب‌های مرزی که امید می‌رفت با فرار اشرف غنی حل شود، به چالشی جدید تبدیل شد. نکته آنکه نه تنها بهبودی در روابط ایران در یک سال اخیر ایجاد نشد، بلکه تبعات منفی گسترده‌ای برای روابط تهران-کابل به همراه داشت؛ از افزایش مهاجرت و پناهندگی شهروندان افغانستان و تبعات اقتصادی، اجتماعی و بعضا امنیتی آنها گرفته تا مشکلات و تهدیدهای امنیتی در مرز مشترک هزارگیلومتری با افغانستان. در کنار آن برخی تحلیلگران بر این باورند که حضور طالبان با اندیشه و تفکر سلفی که در تضاد با منافع و تفکر جمهوری اسلامی است، می‌تواند تبعات امنیتی را از سوی امارت اسلامی متوجه ایران کند. اکنون پرسش اصلی این است که آیا ایران می‌تواند با سیاست مدارا با طالبان، آن را مهار کند یا این رابطه سراسرنجام به تنش می‌گراید؟ اصلا راهکار جلوگیری از ایجاد تنش بین ایران و افغانستان طالبانی چیست؟ «شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، راهکارهای دفع خطر طالبان برای ایران را بررسی می‌کند.

طالبان ایران را سورپرایز کرد؟



سیده‌هامون امیرخلیلی، دیپلمات پیشین ایران و مسئول اسبق دفتر ویژه امور افغانستان، در گفت‌وگو با «شرق» با نگاهی به تفاوت طالبان کنونی با طالبان ۲۰ سال قبل و رابطه ایران با طالبان جدید می‌گوید: «حکومت طالبان در دوره دوم با برخورداری از تجربه پنج سال حکومت دوره اول و همچنین حمایت پاکستان و عربستان و تجاری‌گی که در طول چهار ۲۰ساله آموخته، روی کار آمده است. به دلیل دشمنی آمریکا با ایران و نوعی دلسردی که در بین سیاست‌مداران جمهوری اسلامی ایران از تعامل با حکومت غرب‌گرای کابل در پنج سال آخر حضور اشرف غنی در افغانستان ایجاد شده بود، کم‌کم ایران از گرایش‌ها و شبکه‌های خارج از دولت رسمی حمایت کرد. ایران پس از به قدرت رسیدن طالبان احساس می‌کرد به دلیل برخی اهداف مشترک با طالبان، ازجمله مقابله با نفوذ و هژمونی آمریکا، باید منتظر یک امارت اسلامی دوم در افغانستان باشد. به نظر می‌رسد انتظار تهران این بود که بتواند با حکومت طالبان روابط بهتری برقرار کند». امیرخلیلی در ادامه علت عدم همراهی ایران و طالبان را به پیشینه این گروه نسبت می‌دهد: «باید به این نکته توجه داشت که جریان‌هایی از پاکستان و افغانستان برای براندازی حکومت غرب‌گرای افغانستان به شیوه‌های بسیار خشن و تروریستی در دو دهه عمل کردند. سازمان ملل در گزارش‌ی اعلام کرد مسئولیت ۷۶ درصد تلفات غیرنظامی در افغانستان در سال ۲۰۱۰ و تروورا و عملیات انتحاری که در آنجا انجام شد، مستقیما با طالبان بوده است. در تمام این مدت، شبکه وسیعی نیز از طالبان پاکستانی به نام شبکه حقانی که در یک ستیز دائم با منافع آمریکا در منطقه بودند و عملیات‌های زیادی را علیه آنها انجام داده بودند و دارای مدارس مذهبی افراطی زیادی بوده و طلاب فراوانی را برای جهاد علیه غرب تربیت می‌کردند،



تکلیفشان را روشن کنند یا روند کاری را اصلاح کنند یا مجلس با آنها برخورد خواهد کرد.

♦ **این وزرای ضعیف در آستانه استیضاح کدام وزرا هستند؟**

نمی‌خواهم از آنها نامی برده شود؛ همه وزرای فعلی در حد متوسط هستند و نمی‌توانم بگویم کدام وزیر در سطح خوبی عمل کرده است. در بحث‌های مسائل اقتصادی، در پی بحث مسائل اجتماعی و در بحث مسائل فرهنگی وزرای که در این مجموعه کار می‌کنند چون آمار و ارقام در جامعه خوب نیست نمایندگان آنها را رصد می‌کنند و ممکن است اگر نتوانند خودشان را با تذکر نمایندگان اصلاح کنند، کارشان به استیضاح مجلس بکشد.

♦ **مجلس فعلی اوایل دولت سیزدهم جدی ورود کرد و وعده داد اگر وزرا عملکرد قابل قبولی نداشته باشند با آنها برخورد می‌کند و در مقطعی هم به طور جدی استیضاح چند وزیر را مطرح و بپیگیری کرد که هیئت رئیسه مانع از اعلام وصول آن شد. اما اکنون این شدت عمل فروکش کرده است. آیا مشکلات کشور تمام شده یا نمایندگان تصمیم به سکوت گرفته‌اند؟**

نه مشکلات کشور حل شده و نه مجلس قصدی برای سکوت در برابر دولت دارد که استیضاح‌ها را دنبال نکند. به همین دلیل تأکید می‌کنم از نیمه دوم سال این نظارت‌ها جدی‌تر خواهد شد. زمانی که باید صبر می‌کردیم وزیر برنامه‌هایش را اجرا کند تمام شده است و اگر نتواند عملکرد قابل قبولی ارائه دهد با او برخورد قانونی می‌کنیم. خود من در این باره با وزیری تعارف ندارم.

♦ **دولت سیزدهم وقتی روی کار آمد گفت اقتصاد را به برجام گره نمی‌زند، اما هم اقتصاد را شرطی کرد و هم همه چیز را به برجام گره زد. آیا قبول دارید؟**

همان‌طور که گفتم اقتصاد تنها ۳۰ درصد به برجام گره خورد و ۷۰ درصد، ضعف از سیستم اداری ناکارآمد دولتی است. هزینه‌های جاری کشور بسیار بالاست و به

حکومت اسلامی در منطقه در نظر گرفته است، چنین نگاهی به ایران ندارد. طالبان جدید جریان ورزیده‌تری نسبت به ۲۰ سال قبل هستند و آمادگی این را دارند که با پذیرش بین‌المللی، به باشگاه سیاست بین‌المللی راه پیدا کنند. طالبان تا حد زیادی ایدئولوژی افراطی دیوبندی خود را حفظ کرده و همان قرائت‌های غلط و اشتباه را از اسلام دارند و با همان نگاه به ایران چشم دوخته‌اند و متوجه منافع اقتصادی و ایدئولوژیک خود هستند و در این مورد تا جایی که بتوانند از ریشه تروریستی خود بهره می‌گیرند که بتوانند تهدیدی علیه مرزهای ایران باشند.

طالبان دست‌نشانده رقبای ایران در منطقه؟

مسئول اسبق دفتر ویژه امور افغانستان در ادامه تصریح می‌کند: «به نظر می‌رسد طالبان به‌عنوان جریانی که مورد علاقه نظام‌های منطقه‌ای سنی رقیب ایران هستند، مثل عربستان، امارات، قطر و حتی پاکستان و در هماهنگی با منافع منطقه‌ای این کشورها و غرب، بتوانند ایران را در مرزهای شرقی، به بهانه‌های مختلف توسط حکومت طالبان که همه هنجارهای بین‌المللی را در دوره مبارزه زری با گذشته و مرتکب انواع جنایات جنگسی و جنایت علیه بشر شده، دچار مشکلات امنیتی کنند تا به این ترتیب درمورد مسائل مختلف، بتوانند حداقل مشکلاتی را در رقابت‌های منطقه‌ای از ایران بگیرند.»

به گفته او: «این نظام، مورد ساخت و قبول جامعه بین‌المللی نیست. با وجود آنکه آنها ضعف‌های زیادی در تأمین آذوقه، اقتصاد و ساماندهی کشور دارند، اما به نظر می‌رسد بنا نیست که این میدان را به ایران به‌صورت گسترده واگذار کنند و آن ضعف‌ها و ناکاسی‌ها را با همکاری با ایران جبران کنند. چیزی که در دوره حکومت مجاهدین این فرض وجود داشت، زیرا نیروهای شمال (تاجیک‌ها و فارس‌زبان‌ها) در اکثریت قرار داشتند. تصور و پیش‌بینی این است که اگر ما تحلیل یا تدبیر خاصی را در سطح ملی انجام ندهیم، آینده روابط با طالبان، آینده بهتر از رابط‌های که با دولت غرب‌گرای کابل داشتیم، نخواهد بود.»

احتمال تنش در رابطه با طالبان در آینده؟

امیر خلیلی جلوگیری از تنش در روابط ایران با طالبان را به روابط خارجی ایران در منطقه و با غرب مرتبط دانسته و می‌گوید: «احتمال تنش در رابطه با طالبان را در دورنمای روابط خارجی ایران در منطقه تصور می‌کنم. تا زمانی که سیاست خارجی ایران متوازن نباشد و نتواند وارد معامله‌ای معقول با همه بلوک‌های قدرت جهانی شود، این خطر وجود دارد. باید انتظار داشته باشیم همان‌طورکه غرب زمانی برای مهار ایران از حکومت صدام حسین استفاده می‌کرد، در شرایط کنونی نیز که مذاکرات هسته‌ای به نتیجه نرسیده، طالبان می‌توانند نیرویی باشد که با توجه به حضور گسترده اتباع افغانستانی در ایران به نابسامانی اجتماعی در ایران منجر و در نهایت به نیرویی برای مهار و بالابردن ایران بدل شود.»

تبعات روی کار آمدن طالبان در افغانستان برای ایران

محمدحسین عمادی، کارشناس ارشد سابق سازمان ملل در بازسازی افغانستان نیز از زاویه‌ای دیگر به موضوع می‌نگرد و تبعات حضور طالبان در افغانستان را بسیار گسترده می‌داند. او دراین باره به «شرق» می‌گوید: «اگر بخواهیم روابط ایران و طالبان را در یک سال گذشته که از سیطره حاکمیت امارت اسلامی بر افغانستان می‌گذرد، مرور کنیم، باید چند نکته را مدنظر قرار دهیم، شاید سیاست ایران را بتوان یک سیاست «کج‌دارومریز» در برابر طالبان دانست. از یک طرف واقعیت تلخی است که طالبان فعلا حاکمان جغرافیای افغانستان هستند و ایران با



عبارتی «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی» این مثال اینجا مصداق پیدا می‌کند. امروز این‌طور شده و یک مدیر یا مدیر کل ما بسیار تجملاتی است و بحث تمرکز در تهران زیاد است و مدیران استانی خیلی اختیار ندارند و باعث افزایش بودجه و کاهش کارایی می‌شود و اقتصاد و معیشت مردم را با چالش مواجه می‌کند.

البته برای کاهش این مشکلات ما نیازمند جراحی اقتصادی واقعی هستیم. نه این اقدامی که دولت به اسم جراحی اقتصادی انجام داد و باعث افزایش قیمت کالاها شد. جراحی اقتصادی یعنی چه کاری انجام دهیم که جلوی قاچاق گرفته شود. وقتی قیمت کالا و ارزاق و انرژی یک‌دهم کشورهای همسایه است چه بخواهیم چه نخواهیم قاچاق انجام می‌شود و ۳۰ درصد اقلام و کالاها از کشور خارج می‌شود و در کنارش اگر قرار باشد قیمت این اقلام یکی شوند باید به سقف کشورهای همسایه حقوق و دستمزد هم افزایش پیدا کند.

♦ **دولت مدعی شد جراحی اقتصادی انجام می‌دهد، اما در این جراحی اقتصادی قیمت همه کالاهای اساسی و غیراساسی به شدت بالا رفت و یک بی‌ظمی قیمتی در سطح وسیع به وجود آمد.**

دقیقا همین‌طور است. دولت باید ریشه‌ای با مسائل اقتصادی برخورد کند و انجام این کار جرئت و جسارت می‌خواهد. البته مجلس این آمادگی را دارد و پای کار است. باید اول حقوق و دستمزد‌ها را اصلاح کنیم بعد قیمت کالاها را به سطح قیمت کشورهای حوزه خلیج فارس برسانیم. اگر این کار را انجام دهیم جلوی قاچاق گرفته می‌شود و دولت سوبسید پنهان نخواهد داد. در این صورت دیگر نیاز به این همه مرزبان نخواهیم داشت تا جلوی قاچاق را بگیرند. بنابراین باید از نظر قیمت‌ها با ۴۰۰ میلیون جمعیتی که در اطراف ایران هستند هماهنگ شویم در غیر این صورت مشکلات ما روز به روز افزایش خواهد یافت و کاری از دستان بر نخواهد آمد.

توجه به مرز طولیی که با افغانستان دارد و همین‌طور مسائل عیده‌ای که به‌عنوان یک همسایه تاریخی با این کشور دار، باید روابط خود را با کسانی که در افغانستان حاکم هستند و بر ملت افغانستان حاکمیت دارند، به حدی برقرار کند که بتوانند هم منافع ایران را تأمین کنند و هم در کنار آن بتوانند از خطراتی که ممکن است از سوی این گروه ایجاد شود، درمان بمانند». او به مناقشات اخیر ایران و طالبان در مرزهای شرقی اشاره کرده و می‌افزاید: «در طول یک سال اخیر ما مناقشات مرزی متعددی با طالبان داشتیم که امیدواریم با گفت‌وگوی رودررو و بدون پیغام‌رسانی، حل شود. یک بخش از این مناقشات به سو،تفاهم بازمی‌گردد و بخشی دیگر به ناشی بودن و عدم مهارت و حکمرانی طالبان و عدم آشنایی آنها با استانداردهای مرزبانی و پروتکل‌های سیاسی کشورهای همسایه». معضل دوم که این کارشناس گروهی سازمان ملل به آن اشاره می‌کند، در رابطه با قاچاق مواد مخدر است: «هرچند آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد، اما آنچه مسلم است، تولید تریاک در این کشور کاهش نیافته است و تنها اثر اعلام فرمان حرام‌بودن کشت تریاک از سوی رهبر این گروه، افزایش شش برابری قیمت تریاک بوده است که طمع سازمان‌ها و تشکل‌های غیررسمی برای قاچاق تریاک و ترانزیت آن از طریق ایران را بیشتر کرده است». عمادی به مشکلات روابط اقتصادی و تجاری ایران و افغانستان که پس از حضور طالبان در این کشور ایجاد شد، نگاهی داشته و می‌گوید: «حجم مبادلات تجاری ایران و افغانستان به دلیل کاهش بنیه اقتصادی و ضعف بودجه عمومی دولت افغانستان که نزدیک به یک‌سوم بودجه دولت نسبت به دولت پیش از حضور طالبان است، تا حد زیادی کاهش یافته است.»

مهاجرت ۳ گروه افغان به ایران

این کارشناس ارشد سازمان ملل در بازسازی افغانستان به موضوع افزایش مهاجرت غیرقانونی و پناهندگی ناشی از حضور طالبان در افغانستان اشاره کرده و آن را در سه دسته، تقسیم‌بندی می‌کند: «در یک سال گذشته با سه نوع مهاجر افغان به ایران مواجه هستیم؛ دسته نخست مهاجرانی هستند که برای کار به ایران آمده و به دلیل آنکه اقتصاد افغانستان وضعیت نامطلوبی پیدا کرده، به‌عنوان فرصت اقتصادی به ایران می‌آیند و مازاد درآمد خود را برای خانواده خود به افغانستان می‌فرستند. این روانی است که از قبل بوده، اما امروز با افزایش روبه‌رو شده است. دسته دوم، گروهی هستند که به دلیل برخورد نژادی طالبان که عمدتا براساس تأکید طالبان بر زبان و فرهنگ پشتون راهی ایران می‌شوند که این دسته عمدتا از نژاد هزاره و شیعه هستند و در قالب کوچ اجباری به ایران پناهنده می‌شوند. گروه سوم، کسانی هستند که مانند آنها در افغانستان با خطر جانی روبه‌روست، زیرا با د دولت قبل کار می‌کردند یا جزه نیروهای امنیتی بودند. این سه گروه، بار مضاعفی را به ایران وارد کرده‌اند که به دلیل شرایط تحریم و اقتصاد نابسامان کشور با چالشی جدی روبه‌رو شده‌ایم.»

تهدید طالبان برای ایران و تاجیکستان

او با اشاره به بدعهدی طالبان نسبت به وعده‌هایی که در مذاکرات دوحه داده‌اند، تأکید می‌کند: «طالبان با وجود وعده‌هایی که در مذاکرات دوحه دادند، دولت فراگیر را ایجاد نکرده‌اند. علاوه بر آن، طالبان براساس آخرین تقویمی که منتشر کرد، با حذف تعطیلات عید نوروز باستانی و همچنین تعطیلی یک روزه عاشورا که با وجود هر دولت و حکومتی در افغانستان وجود داشت، به ایجاد یک حکومت پشتون با زبان پشتو و کم‌کردن ارزش زبان فارسی روی آورده است که به سبب پیوند تاریخی ایران و تاجیکستان با افغانستان، تهدید برای این دو کشور همسایه محسوب می‌شود.»